

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ اگست ۲۰۲۰

"علاج درد دندان، کشیدن آن است!"

دوشنبه- ۱۳ اسد ۱۳۹۹ - کابل: از جمله مهمترین خبر های امروز کشور، حمله بر زندان ننگرهار در شام روز گذشته بود که سرکوب کامل آن تقریباً ۲۳ ساعت به درازا کشید. مثل معمول برخورد ها و عکس العمل ها در قبال این حمله و همچنان انفجار مرگبار دو روز قبل در لوگر متفاوت بود. به نسبت دوام جنگ در چهاردهه، ما در کشور مان نه تنها انتحاری و انفجاری در هر گوشه و کنار داریم بلکه ده ها برابر بیشتر از آن آگاه نظامی، جنرالان بی ستاره و مارشالان منتظر نیز داریم، از همین رو هریک راجع به هر دو عملیات نظراتی ابراز می دارند، که شامل چند بخش است:

انگیزه و علت حمله، غفلت و بی توجهی نیروهای امنیتی، تلفات افراد غیر نظامی، محکوم نمودن حملات از جانب مقامات دولت دست نشانده و کشور های حامی آن، تیراجستن طالب از شرکت در هردو حمله، مسؤولیت گیری از جانب "داعش"، چند لاف از جانب نیروهای امنیتی و ...

این یعنی تکرار همان موضوعی که طی اینهمه سال همیشه نشخوار شده است و یکی از اهداف چنین سخن گفتن، ما را از اندیشه در مورد باز داشتن و به سطحی نگری عادت دادن است که فکر می کنم تا حدی به این هدف شان رسیده اند، زیرا هیچ کسی از خود و از دیگران نمی پرسد که این عمل مسلحانه و خونبار، در شرایطی که بزرگترین رقیب نظامی دولت دست نشانده یعنی طالب، آتش بس اعلام داشته است حاوی چه پیامی بوده است؟ در یادداشت امروز مختصراً خواهیم کوشید تا برداشتم را در همین زمینه خدمت شما هموطنان علاقه مند به قضایا تقدیم بدارم. به نظر من: نخستین پیامی که این حملات به صورت بسیار واضح و با صدای گوشخراش انفجارراکت و نفیر گلوله اعلام داشتند، این بود:

* - ای خلیق خوشباور و متوهم افغانستان، طالب نه یگانه نیروئیست که بعد از دهه ها کشتار امروز می خواهد با گرفتن حق خود که سروری بر شماست، صلح گورستانی خود را بر افغانستان و باشندگان آن قایم نماید و نه هم با رام شدن و راضی شدن طالب، شما می توانید به صالح نائل آئید، بلکه اگر همین امروز و همین لحظه، طالب بگوید که من فرشته صلح هستم، نیروهای دیگری هستند که جای خالی آنها را پر نموده، تنور جنگ را فروزان نگه دارند.

* - دومین پیام این است که هر چه طالب می خواهد و شما ناگزیر به دادن هستید، بدهید؛ مگر فراموش نکنید که این امر مناسبات شما با طالب است و به ما هیچ ربطی ندارد، حق ما فراموش تان نشود و رنه چیزی به نام صلح و ختم جنگ و خاموشی سلاح های خفیف و ثقیل خیالی بیش نخواهد بود.

واما این که اگر واقعاً "داعشی" در افغانستان وجود داشته باشد و این اعمال و جنایات را آنها مرتکب شده باشند، باید نوشت: "داعش" قادر شده است سیاست جنگی اش را به پیروی از سیاست جنگی "گلبدین" و "مسعود" حین حضور اشغالگرانه و تجاوزکارانه ارتش شوروی، به یک ستراتیژی آشکار تغییر بدهد. ستراتیژی "در یک دست شمشیر و در دست دیگر قرآن".

بدان معنا که حین شرکت در منازعات و جنگهای داخلی، تا جایی که زور شان می رسد، با زبان تفنگ شان سخن بگویند، قتل عام کنند، از کشته ها پشته بسازند، دهمزنگ ها و اماکنی چون چهارراهی زنبق را به حمام خون تبدیل نمایند، به محض آن که خود را کمزور و ضعیف احساس نمودند، عاجل دست به دامان دولت دست نشانده دراز نموده با پذیرش حاکمیت "غنی احمدزی" خود را به دولت تسلیم نموده، از نیروهای امنیتی دولت دست نشانده پناه بجویند. این همان کاری بود که باندهای "گلبدین" و "مسعود" در تمام سالهای حضور اشغالگرانه ارتش شوروی در افغانستان انجام دادند، یعنی به همان سان که "مسعود" با امضای پروتوکول با روسها، خود را از حملات آنها مصون داشت و توجهش را به دشمنان روسها معطوف داشت به همان سان قومندانهای "گلبدین" نیز عمل نموده، به ده ها و صد ها تن از آنها در کنفرانسهای داکتر نجیب که در تالار های رسمی حاکمیت آنروز برگزار می شد، به حیث ملیشه شرکت نمودند.

وقتی به کرکتر کنونی داعش نگریسته می شود، مشاهده می گردد که آنها این تکتیک را به یک ستراتیژی تبدیل نموده اند، نخست فرزندان بیگناه این مرزوبوم را قتل عام می کنند وقتی زور بالای شان آمد، خود را به دولت دست نشانده تسلیم می کنند و از مهمان نوازی های سخاوتمندانه ریاست "امنیت ضدملی" و "شورای امنیت" بهره می برند. "مغز متعن" و افراد دور و برش هم خوشحال هستند که حکومت می کنند.

هموطنان گرامی!

معیار های احمق خرکن غرب که می خواهد از طریق تبلیغ آنها من و تو را فریب داده نوکران اعزامی اش را از خشم خلق نجات دهند باشد برای خودشان، ما اگر خواسته باشیم خود و وطن ما را از شر و چنگ نوکران زرخرید امپریالیسم و ارتجاع نجات دهیم، هیچ راهی نداریم مگر این که به سیاست چشم در مقابل چشم و جان و در مقابل جان بازگشته، با مجازات عاملان انفجار ها و انتحار ها و آنهایی که دست شان به خون خلق ما آغشته است بادر نظر داشت این که علاج درد دندان کشیدن آن است می باید آنها را بی دریغ نابود کرد تا خود و جامعه ما را از شر این غده های سرطانی حفاظت نمائیم، که گفته اند:

ترحم بر پلنگ تیز دندان ستمگاری بود بر گوسپندان

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!!